

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۵

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال اول

مقالات

- تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها
 - تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای
 - مطالعه تطبیقی ماهیت و مبنای مسئولیت متصدیان حمل و نقل
 - استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری
 - راهکار تعقیب متهمان به جنایات جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون
 - آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران
 - قلمرو استدلال قیاسی با نقدی بر روش‌شناسی قیاس جزایی در فقه
 - انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران
 - نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب
 - اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها
- موضوع ویژه: جایگاه و کارکرد سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی
- درآمدی بر موضوع ویژه
 - وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
 - تعامل سازمان‌های غیردولتی با سازمان جهانی تجارت
 - تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»
 - مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر
 - نقش انجمن‌ها در حمایت حقوقی از معلولان با نگاهی به قضیه «پروش»
 - موانع تشکیل و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران
- ## نقد و معرفی
- قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها
 - تحدید حق دادخواهی دانشگاهیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی!؟
 - نگاهی به تازه‌ترین دادنامه پرونده خون‌های آلوده





وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران

سید یاسر ضیایی* - سیدهادی پژومان**

چکیده: حقوق بین‌الملل قواعد و رویه‌های خاصی در خصوص وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دارد. از سوی دیگر کشورها ترجیح می‌دهند قواعد ملی خاص خود را نسبت به این سازمان‌ها داشته باشند. با توجه به ضرورت متابعت قواعد ملی کشورها از حقوق بین‌الملل در این پژوهش میزان مطابقت یا عدم مطابقت حقوق ایران در خصوص وضعیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ارزیابی گردید. این ارزیابی در چهار بعد از سازمان‌های غیردولتی صورت می‌گیرد: تعریف و ماهیت، گونه‌شناسی، شخصیت حقوقی و منابع مالی. تلاش شد در این روند به نقاط ابهام حقوق بین‌الملل و حقوق ایران نسبت به این سازمان‌ها اشاره شود و در مواردی پیشنهادهایی ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: سازمان غیردولتی، سازمان بین‌المللی غیردولتی، حقوق بین‌الملل، حقوق ایران، شخصیت حقوقی بین‌المللی

مقدمه

در حقوق بین‌الملل کنونی قواعدی حاکم بر تأسیس، شرایط و وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی نداریم. بنابراین این موضوع به حقوق و صلاحیت کشورهایی که یک سازمان غیردولتی

yaserziace@gmail.com

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

spazhouman@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه شمال

در آن تأسیس می‌شود و اگذار شده است. مشکل مرتبط با قانون قابل اعمال عملاً زمانی مطرح می‌شود که یک سازمان غیردولتی مرزهای ملی را درنوردد یا زمانی که سازمانی بین‌المللی بین‌الدولی با آن مرتبط شود.^۱ از یکسو حقوق بین‌الملل ناظر بر وضعیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اگر چه غنی نیست اما بدون اصول راهنما هم نیست و از سوی دیگر برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی کشورها در بسیاری از آراء قضایی و داوری داخلی و بین‌المللی از گفتمان‌های پذیرفته شده محسوب می‌شود. در این بخش وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی را در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران در چارچوب گفتمان مذکور در بوطه آزمایش قراردادهایم. این ضرورت در چهار محور مورد ارزیابی قرار گرفته است. تعریف و ماهیت، گونه‌شناسی، شخصیت و منابع مالی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی.

تعریف و ماهیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

تمام موضوعات مربوط به حقوق سازمان‌های غیردولتی مورد اختلاف است از جمله تعریف آن،^۲ لیکن این امر نباید مانع از تلاش برای یافتن تعریفی جامع و مانع در خصوص سازمان‌های غیردولتی شود. پیش از هر چیز باید یادآوری کرد که آنچه در این نوشتار مورد توجه و بررسی قرار دارد سازمان‌های غیردولتی با خصیصه بین‌المللی هستند و نه ملی. اساساً ارائه تعریفی واحد از سازمان‌های غیردولتی ملی اگر نه غیر ممکن اما امری صعب و دشوار است. این امر به دلیل وجود نظام‌های حقوقی ملی گوناگون در جهان است.^۳ برای تهیه تعریفی در خور سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی لازم است که به ارزیابی صفات مشترک میان مصادیق گوناگون این دسته از سازمان‌ها در عرصه بین‌المللی بپردازیم چرا که یک تعریف کامل باید متشکل از عناصر لازم و مشترک در تمام موضوعات آن تعریف باشد. تعارض پیش رو آن است که با نبود یک تعریف مقبول از سازمان‌های غیردولتی چگونه می‌توانیم مصادیق خارجی این سازمان‌ها را مشخص کنیم و از این طریق به کالبد شکافی عناصر آنها بپردازیم؟ این پارادوکس تقریباً در تمام فعالیت‌های علمی از این دست در پیش روی محققان وجود دارد. برای این امر گریزی نیست جز آنکه به رویه عرفی موجود در جامعه بین‌المللی از گذشته تا به حال توجه کنیم تا مبنایی برای تحصیل تعریفی شایسته فراهم کنیم.

1. Herman H-K Rechenberg, "Non-Governmental Organization", in: R. Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 9 (19981), p. 281.

2. Steve chamovitz, "Nongovernmental organization and international law", *The American Journal of International Law*, 2006, No. 100, p. 351.

۳. ابراهیم بیگزاده، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش

ظهور سازمان‌های غیردولتی در دوران باستان به‌طور بسیط مطرح بوده و تفکیکی میان نوع ملی و بین‌المللی آنها وجود نداشت. با این حال می‌توان قدیمی‌ترین سازمان بین‌المللی غیردولتی را سازمان کلیساهای مسیحی دانست که در اوایل قرن ششم میلادی با صدور اوامر مذهبی از مرکز، فعالیت می‌کردند.^۴ پیش از شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷ نهادهای شبیه به سازمان‌های غیردولتی امروزی با موضوعاتی علمی و بعضاً آرمانی به وجود آمدند اما اصطلاح «سازمان غیردولتی» تا قرن بیستم مورد استفاده قرار نگرفته بود. اولین استفاده از این عبارت توسط سوفی سانگر (Sophy Songer) در سال ۱۹۲۰ بود.^۵ پس از جنگ جهانی اول از جمله دو نهاد بزرگ اقتصادی در غالب غیردولتی ایجاد شدند، یکی سازمان بین‌المللی برای استانداردسازی^۶ (ISO) و دیگری کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجارت آزاد.^۷ میثاق جامعه ملل به وضعیت سازمان‌های غیردولتی اشاره‌ای نداشت با این حال در ماده ۲۵ خود به سازمان‌های ملی صلیب سرخ که ویژگی غیردولتی داشتند و دارند اشاره می‌کرد.^۸ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۱۹ نیز از «نمایندگان غیردولتی» صحبت به میان می‌آورد.

با فرو نشستن شعله‌های جنگ جهانی دوم رفته رفته ظهور سازمان‌هایی از این دست افزایش چشمگیری پیدا کردند. از اینرو منشور ملل متحد ماده ۷۱ خود را به این موجودیت‌های منزوی اختصاص داد. منشور در ماده ۷۱ خود بیان می‌دارد «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند تدابیر مناسبی جهت مشورت با سازمان‌های غیردولتی در حدود صلاحیت [شورای اقتصادی و اجتماعی] اتخاذ نمایند». جهت عملیاتی کردن این ماده عمده‌ترین چالش پیش روی شورای مذکور تشخیص سازمان‌های غیردولتی و احیاناً انواع آن است. از اینرو شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) قطعنامه‌ای را در سال ۱۹۵۰ تصویب کرد که در آن سه شرط برای سازمان‌های مشمول این ماده در نظر گرفت: شناخته شده باشند، نمایندگی بخش مهمی از قلمرو محل فعالیتشان را به عهده داشته باشند و سند مؤسس آن غیرمعاهده‌ای باشد.^۹ اکوسوک در قطعنامه‌های بعدی خود به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۹۶ عناصر دیگری را برای تشخیص سازمان‌های غیردولتی اضافه نمود. فعالیت سازمان در حوزه صلاحیت اکوسوک باشد، اهداف سازمان با روح، اهداف و اصول منشور ملل

4. Herman H-K Rechenberg, *op. cit.*, p. 278.

5. Steve Charnovits, "Accountability of Nongovernmental organizations (NGOS) in Global Governance", *The George Washington University Law school, Public Law legal theory working paper*, No. 145, 2005, p. 2.

6. International organization for standardization

7. International confederation of free trade unions

8. Kerstin Martens, "Examining the (Non-)Status of NGOs International law", *Indian Global legal Studies Journal*, 10:2, 2003, p. 9.

9. ESC Res. 288 B(x), 27 February 1950.

متحد مطابقت داشته باشد، از اشتها بین‌المللی برخوردار باشد؛ توانایی نمایندگی از سوی اعضای خود را داشته باشد، کشورهای متعددی را تحت پوشش خود داشته باشد،^{۱۰} تأسیس آن دموکراتیک باشد، از منابع مالی مستقل برخوردار باشد، دارای مقر باشد و بعضاً سازگار مناسب برای پاسخگو بودن را داشته باشد.^{۱۱} کنوانسیون استراسبورگ مصوب ۱۹۸۴ در تعریفی که ارائه داد دو عنصر «غیرانتفاعی بودن» و «فعالیت در حداقل دو کشور» را اضافه نمود. اصول راهنمای سازمان کشورهای امریکایی نیز تنها «ماهیت خصوصی» داشتن اینگونه سازمان‌ها را برای حضور آنها در این سازمان کافی دانسته است.^{۱۲}

در کنار رویه حقوق موضوعه، ادبیات فردی و جمعی حقوقدانان بین‌المللی به تعریف صحیح از این سازمان‌ها کمک شایانی کرده است. شاخصه‌هایی که مؤسسه حقوق بین‌الملل برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی شناخته است عبارتند از: حقیقی بودن مؤسسه، آزادانه و ابتکاری بودن تأسیس، غیرانتفاعی بودن و منفعت عمومی داشتن. آقای چارنووتیز یکی از حقوقدانان پیشرو در تحقیقات مربوط به سازمان‌های غیردولتی عناصری را که برای تشکیل یک سازمان بین‌المللی غیردولتی لازم‌اند را عبارت از این موارد می‌داند: خصوصی بودن، داوطلبانه بودن، غیرانتفاعی بودن و فرامرزی بودن.^{۱۳}

«ماکالیستر اسمیت» نیز عمومی بودن هدف این سازمان‌ها را بر خلاف ماهیتشان که خصوصی است ضروری می‌داند.^{۱۴} هر چند برخی سازمان غیردولتی را به سازمان‌هایی که اشخاص عمومی نیز در آن عضو باشند تعمیم می‌دهند تنها مشروط بر این که تأسیس سازمان با ابتکار انحصاری بخش خصوصی بوده باشد^{۱۵} اما همانطور که در بخش انواع سازمان‌ها اشاره خواهد شد این خصیصه در تعارض ذاتی با مفهوم سازمان‌های غیردولتی است. این رویکرد تعمیمی در فحوای قطعنامه ۱۹۹۶ اکوسوک نیز مشاهده می‌شود.^{۱۶} حقوقدانان نیز خصیصه سازمان‌یافتگی را از عناصر لازم تعریف اینگونه سازمان‌ها می‌داند^{۱۷} در حالی که حقوقدان دیگری صحبت از سازمان‌های

10. ESC Res.1296 (XLIV), 23 May 1968.

11. ESC Res.1996/31, 25 July 1996.

12. CP/Res. 759 (1217/99), Guidelines for Participation by Civil Organization in OAS Activities, 15 December 1999.

13. Steve chamovitz, Nongovernmental. . . , *op. cit.*, pp. 348-351.

14. Ann-Karin Lindblom, *Non-Governmental Organizations in International Law*, Cambridge University Press, 2005, p. 15.

۱۵. نگوین کک‌دین، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵۷.

16. ESC Res. 1996/31, 25 July 1996, para. 12.

۱۷. محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، نشر گنج دانش، چاپ سی‌ام، ۱۳۸۷، ص ۲۹۸.

غیردولتی مجازی به میان می‌آورد که بدون داشتن دفتر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، مانند سازمان زنان ایران (سزا).^{۱۸}

همانطور که ملاحظه می‌شود برخی از موارد مطروحه از سوی اکوسوک تنها جنبه اهلیتی در قبال آن شورا را داشته و از صفات ذاتی سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانند باشد. از سوی دیگر تعاریف ارائه شده از سوی دکترین نیز فاقد برخی ویژگی‌های مهم برای این سازمان‌هاست. لزوم ثبت این سازمان‌ها در نظام حقوقی ملی یک کشور مورد شناسایی بین‌المللی^{۱۹} و مغایر نبودن اهداف سازمان بین‌المللی غیردولتی با قواعد آمره حقوق بین‌الملل از این جمله‌اند. چرا که عدم ثبت یک سازمان غیردولتی به‌طور قانونی در حقوق داخلی یک کشور می‌تواند ماهیت آن را با ماهیت نهضت‌های آزادیبخش خلط کند و نیز مغایر بودن اهداف چنین سازمانی با قواعد آمره حقوق بین‌الملل از آن موجودیتی نامشروع می‌سازد که مشمول ماده ۴۰ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسؤلیت دولت‌ها مبنی بر الزام به عدم شناسایی آن قرار می‌گیرد. چالش دیگر ماهیت پویای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و دگرگونی واکنش بین‌المللی نسبت به آنهاست. از اینرو ارائه تعریفی جامع و مانع از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی باید با احتیاط صورت گیرد. اکوسوک در سال ۱۹۵۰ به‌طور گشاده‌دستانه‌ای سازمان بین‌المللی غیردولتی را «هر سازمانی که توسط معاهده‌ای بین‌المللی ایجاد نشده باشد» دانست، لیکن این تعریف، تعریفی مانع نیست چرا که هر چند تمام سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از طریقی غیر از معاهده تأسیس شده‌اند اما می‌دانیم که اثبات شیئی منفی ماعدا نمی‌کند و چه بسا سازمانی که نه ناشی از معاهده باشد و نه سازمانی غیردولتی؛ مانند مؤسسات بین‌المللی دولتی.^{۲۰}

با این حال دو رویکرد به تعریف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی موجود است: رویکرد همگانی که مدعی احراز حقوق و تکالیف دقیق این سازمان‌ها در حقوق بین‌الملل است و رویکرد تعیین عناصر حداقلی که مقتضی عدم امکان دستیابی به تعریفی جامع و متعاقباً مدعی انعطاف‌پذیری و پویایی اینگونه سازمان‌هاست.^{۲۱} تعریف حداقلی زیر را با توجه به قدر متیقن خصائل طرح شده

۱۸. مینا احمدی، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران: سازمان‌های غیردولتی زنان»، کتاب زنان، سال هشتم، ش ۲۹، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱.

۱۹. خانم لیند بلوم عنصر «شخصیت ملی داشتن» را برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ضروری دانسته است. See: Ann-Karin Lindblom, *op. cit.*, p. 15.

۲۰. آیگناتس زایدل هوهن فلدن، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳.

21. *Ibid.*, p. 16.

از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از نظر حقوق بین‌الملل می‌توان ارائه نمود:

«سازمانی مستقل (عدم وابستگی مالی و سیاسی به دولت‌ها) که اعضای تشکیل دهنده آن خصوصی (و نه لزوماً حقیقی) باشند و به‌طور داوطلبانه و با هدف تعقیب منافع عمومی (غیرانتفاعی) در نظام ملی یک کشور ثبت شده‌اند و فعالیت آنها در بیش از یک کشور صورت می‌گیرد به این شرط که فعالیت آنها مغایر با قواعد آمره بین‌المللی نباشد».

حال به ارزیابی تعریف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق ایران و میزان مطابقت آن با برخی خصیصه‌های مذکور در این تعریف می‌پردازیم. رویکرد حقوق ایران پیش از انقلاب تا سال ۱۳۸۱ رویکردی ملی بود که با تصویب آیین‌نامه اجرایی و تأسیس فعالیت سازمان‌های غیردولتی رویکرد بین‌المللی به خود گرفت. تمام سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی فعال در سرزمین ایران اعتبار خود را از اصل بیست و ششم قانون اساسی ایران می‌گیرند. طبق این اصل «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده [در اصل سیزده] آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند...». در راستای عملیاتی کردن این اصل، آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب سال ۱۳۳۷ اعتبار خود را حفظ نمود که بعداً برخی قواعد آن توسط آیین‌نامه سال ۱۳۸۱ و اصلاحات بعدی آن تخصیص خورده و یا نسخ شد.

الف) غیرانتفاعی بودن

از نظر آیین‌نامه ۱۳۳۷ «مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجارتی از قبیل امور علمی و ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آنکه مؤسسين و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته و یا نداشته باشند» (ماده ۱). با این حال ماده ۲ همین آیین‌نامه «مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد مانند کانون‌های فنی و حقوقی» را جزء سازمان‌های مذکور در ماده ۱ می‌داند. در نگاه اول تعارض موجود در این دو ماده عجیب به نظر می‌رسد چرا که ماده ۱ صحبت از «مؤسسات غیرتجارتی» می‌کند و ماده ۲ صحبت از مؤسساتی که هدف آنها جلب منافع اقتصادی است.

من باب اصل «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» می‌توان چنین برداشت نمود که این آیین‌نامه میان «موضوع» یک سازمان و «فعالیت» آن سازمان تفاوت قائل شده است. توضیح آنکه فعالیت یک سازمان می‌تواند «انتفاعی» باشد اما موضوع آن «غیرتجاری» باشد مانند اتحادیه‌های غیرتجاری که

خدمات آموزشی ارائه می‌دهند و کسب منفعت می‌کنند. بنابراین از نظر آیین‌نامه مذکور سازمان‌هایی که موضوع آنها تجاری باشد مانند اتحادیه‌های صنفی و اقتصادی مشمول این مقررات نمی‌شوند حتی اگر فعالیت غیرانتفاعی داشته باشند.

از سوی دیگر از نظر آیین‌نامه ۱۳۸۱ «سازمان غیردولتی ... به شکل‌هایی اطلاق می‌شود که ... دارای هدف غیرانتفاعی و غیرسیاسی باشد» (ماده ۱). طبق تبصره چهارم همین ماده «اهداف غیرانتفاعی عبارتست از عدم فعالیت‌های تجاری و صنفی انتفاعی به منظور تقسیم منافع آن بین اعضاء مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان». از آنجا که مفهوم مخالف این تبصره اتحادیه‌های صنفی غیرانتفاعی را سازمان غیردولتی می‌داند می‌توان نتیجه گرفت که از نظر این آیین‌نامه «موضوع» یک سازمان می‌تواند «تجاری» باشد اما آنچه اهمیت دارد این است که «فعالیت» آن سازمان غیرانتفاعی باشد.^{۲۲}

از اینرو آیین‌نامه فعلی ماد ۱ و تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه قبلی را تخصیص زده‌اند. به‌طور خلاصه مؤسسات غیرتجاری غیرانتفاعی مشمول هر دو آیین‌نامه می‌شوند (که در صورت تعارض آیین‌نامه مؤخر اولویت دارد). مؤسسات غیرتجاری انتفاعی فقط مشمول آیین‌نامه قبلی می‌شود و مؤسسات تجاری غیرانتفاعی تنها مشمول آیین‌نامه جدید شده و از حوزه مشمول آیین‌نامه قبلی خارج می‌شود.

چنانچه ملاحظه شد آیین‌نامه فعلی ایران به عنصر «غیرانتفاعی بودن فعالیت سازمان‌های غیردولتی» چنانچه در کنوانسیون استراسبورگ و متون حقوقی حقوقدانان بین‌المللی مطرح شده است، توجه نموده است و از اینرو سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که فعالیت غیرانتفاعی داشته باشند و هرچند موضوع آنها تجاری یا اقتصادی باشد، امکان ثبت و فعالیت در حقوق ایران را دارند مانند سازمان بین‌المللی برای استانداردسازی^{۲۳} و مؤسسه روابط بین‌المللی اقتصادی.^{۲۴}

این رویکرد مطابق با تعریف ارائه شده توسط اکوسوک است که سازمان‌های فعال در حوزه صلاحیت اکوسوک را مشمول تعریف می‌داند و از بارزترین حوزه‌های تحت صلاحیت اکوسوک نیز حوزه اقتصادی است. با این حال این مؤسسات به علت تجاری بودن موضوع آنها از حقوق و

۲۲. هر چند گفته شده که «واگذاری صنعت نفت به بخش سازمان‌های غیردولتی و الزام برخی نهادهای دولتی برای عقد قرارداد با سازمان‌های غیردولتی با اهداف انتفاعی و اقتصادی این گمانه را تقویت می‌کند که برخی سازمان‌های غیردولتی (در ایران) نه تنها دولتی هستند بلکه انتفاعی و سودآور نیز هستند». مریم صادقی، «سازمان‌های غیردولتی در نگاه تطبیقی»، مجله ندای صادق، سال دهم، ۱۳۸۴، ص ۹۴.

23. International Organization for Standardization

24. International Industrial Relations Institute

تکالیف آیین‌نامه ۱۳۳۷ محروم خواهند بود.^{۲۵}

ب) خصوصی بودن اعضا

هر چند اصل بیست و ششم قانون اساسی از احزاب جمعیت‌ها، صنوف و اقلیت‌ها سخن به میان می‌آورد اما این اصطلاحات کفایت از ماهیت اعضای آنها نمی‌کند. تبصره ماده ۱ آیین‌نامه ۱۳۳۷ بیان می‌دارد:

«تشکیلات و مؤسسات مزبور می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف مؤسسات مزبور ممکن نخواهد بود».

این عبارت متضمن دو نکته است: خصوصی بودن ماهیت این اعضا و مستقل بودن آنها از تشکیلات دولتی.

آیین‌نامه ۱۳۸۱ ضمن این که استفاده از عناوین جمعیت، انجمن، کانون، مرکز، گروه، مجمع، خانه، مؤسسه و نظایر آن را تجویز می‌کند تأکید می‌کند که واژه «غیردولتی» به این معناست که «دستگاه‌های حکومتی در تأسیس سازمان و اداره سازمان دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان دولتی در تأسیس و اداره سازمان، در صورتی که خارج از عنوان و سمت دولتی آنان باشد مانع وصف غیردولتی سازمان نخواهد بود». (تبصره ۲ ماده ۱) مدلول این عبارت متفاوت از ماهیت سازمان‌هایی مانند اتحادیه بین‌المجالس است که شرکت اعضا در آن در کسوت نمایندگی است. با این حال ماهیت اینگونه سازمان‌ها چنانچه در قسمت گونه‌شناسی توضیح داده خواهد شد مجزای از تعریف سازمان بین‌المللی دولتی و غیردولتی است. هر چند برخی معتقدند که «تعریف ارائه شده از جانب اکوسوک در سال ۱۹۹۶ شامل سازمان‌هایی که اعضای منصوب از مقامات دولتی در آن هستند می‌شود مشروط بر این که این اعضا در برداشت آزاد از دیدگاه‌های سازمان مداخله‌ای نداشته باشند».^{۲۶} اما چنین اتحادیه‌هایی مشمول قوانین مربوط به سازمان‌های غیردولتی در حقوق

۲۵. معلوم نیست که سازمان‌های غیردولتی غیرتجاری می‌توانند در ایران به فعالیت‌های انتفاعی دست زنند یا خیر؟ از منظر آیین‌نامه ۱۳۳۷ که رسماً منسوخ نشده است امکان فعالیت‌های درآمدزا برای آنها وجود دارد اما در این صورت آستانه انتفاعی شدن به معنایی که در آیین‌نامه جدید اراده شده مشخص نیست. شاید بتوانیم از راه حل ماده ۲ قانون تجارت کمک بگیریم و بگوییم تا زمانی که فعالیت معمول و عرفی سازمان، انتفاعی نشده می‌توان آن را غیرانتفاعی تلقی کرد.

26. Ann- Karin Lindblom, *op. cit.*, p. 13.

ایران نمی‌شوند.

بند الف ماده ۱ همین آیین‌نامه اجازه تشکیل سازمان را هم به اشخاص حقیقی و هم به اشخاص حقوقی داده است. این که آیا اشخاص حقوقی هر ماهیتی (حتی تجاری) می‌توانند داشته باشند و یا منظور موارد خاصی است با ابهام روبروست. شاید بتوان با قیاس از بند ب ماده ۱۸ که دارا بودن صلاحیت تخصصی حداقل دو نفر از مؤسسين در حوزه فعالیت سازمان را ضروری می‌داند نتیجه بگیریم که فعالیت و ماهیت کلی اشخاص حقوقی باید با فعالیت سازمان همسو باشد و از اینرو شرکت‌های تجاری از مشمول آن خارج شوند.

شرط «نداشتن محکومیت کیفری مؤسسين نیز به نحوی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شود» در حقوق ایران از دیگر چالش‌های پیش روی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است چرا که مشخص نیست اعضای مؤسس سازمان «در ایران» نباید دارای چنین سابقه‌ای باشند و یا «در هر کجای دنیا».^{۲۷}

ج) استقلال

همانگونه که گفته شد هم آیین‌نامه ۱۳۳۷ هم آیین‌نامه فعلی متضمن استقلال سازمان‌اند. با این حال شرط مذکور در اصل بیست و ششم قانون اساسی مبنی بر این که فعالیت سازمان‌ها باید چنان باشد که «اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند» این سؤال را مطرح می‌کند که آیا فعالیت یک سازمان در ایران صرفاً باید در راستای تحقق کامل اهداف دولتی باشد؟ چرا که سازمان‌های غیردولتی ذاتاً دارای دو کارکرداند: گاهی تکمیل‌کننده خدمات ارائه شده دولتی محسوب می‌شوند و گاهی نیز چالشی در مقابل دولت‌ها به شمار می‌روند.^{۲۸} در حالی که عدم به چالش کشیدن موضوعات مطروحه در اصل بیست و ششم به معنای دولتی بودن دفاکتوی سازمان‌های غیردولتی است. خصوصاً آنکه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حوزه حقوق بشر، زنان و مذهب با اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران در تعارضند. از این جهت فعالیت نهادهای فمینیستی و هواداران افراطی حقوق بشر لیبرال در ایران غیرقانونی خواهد بود هر چند در عمل رفتار دولت ایران به گونه‌ای دیگر است.^{۲۹}

۲۷. شاید با قیاس با بند ۴ ماده ۹۷۹ قانون مدنی که از شرایط کسب تابعیت را عدم محکومیت در تمام کشورها بیان کرده نتیجه بگیریم که نبودن سابقه در تمام کشورها مورد توجه قانون‌گذار ایران بوده است.

۲۸. رضا سیمبر، «سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی»، *مجله سیاسی، اقتصادی*، شماره ۱۴۷، ص ۱۶۷.

۲۹. مینا احمدی، پیشین، ص ۱۶۳.

د) لزوم ثبت در یک کشور

برخورد حقوق ایران با دو دسته از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی متفاوت است: اول سازمان‌هایی که برای اولین بار در ایران ثبت می‌شوند و مشتاق فعالیت بین‌المللی‌اند و دوم سازمان‌هایی که بین‌المللی‌اند و در کشور یا کشورهای دیگری ثبت شده‌اند اما خواستار «فعالیت» در ایران هستند. سازمان‌هایی که خواستار تأسیس آن در ایران و متعاقباً کسب تابعیت ایرانی هستند باید درخواست خود را تسلیم هیأت نظارت کشور کنند (م ۱۷) و نیز شرایطی را در مورد هیأت مؤسس سازمان رعایت کنند (م ۱۸). با این حال اگر چنین سازمانی خواستار فعالیت برون مرزی باشد ملزم است مجوز کلی از مرجع نظارتی فرا استانی و ملی اخذ کند. این قید غیر ضروری به نظر می‌رسد چرا که با توجه به فواید فعالیت بین‌المللی یک سازمان ایرانی، کند کردن این روند ضرورت نداشت به علاوه این که ضمانت اجرای این مقرر مشخص نیست و وضعیت سازمان ایرانی که فعالیت برون مرزی داشته اما مجوز ایرانی لازم را اخذ نکرده معلوم نیست.

در مورد دسته دوم ماده ۲۹ آیین‌نامه اختیار صدور پروانه فعالیت به سازمان‌های غیردولتی خارجی و بین‌المللی را به هیأتی متشکل از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و وزارتخانه یا سازمان دولتی مرتبط با موضوع فعالیت سازمان غیردولتی خارجی یا بین‌المللی واگذار شده است. آنچه قابل تأمل است عدم الزام سازمان‌های غیردولتی نسبت به راه‌اندازی یک دفتر ثابت برای فعالیت سازمان در حقوق ایران است بر خلاف آنچه که اکوسوک در قطعنامه ۱۹۹۶/۳ خود ضروری شمرده بود. این مسأله فعالیت مجازی (سایبری) سازمان‌های بین‌المللی را در ایران تسهیل می‌کند. مسأله قابل طرح دیگر این است که چه سازمانی را تشکیل یافته بدانیم تا آن را ملزم به اخذ «پروانه فعالیت» کنیم و چه سازمانی را در حال تشکیل تا آن را ملزم به اخذ «پروانه تأسیس» کنیم؟ آیا ثبت یک سازمان در هر کشوری پیش از تقاضای فعالیت در ایران کافی است تا آن را بی‌نیاز از اخذ پروانه تأسیس بدانیم؟ این در حالی است که مسأله شناسایی برخی کشورها از نظر ایران زیر سؤال است،^{۳۰} علاوه بر این آیا شناسایی شخصیت یک سازمان غیردولتی در یک سازمان بین‌المللی دولتی یا نهادی قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نیز می‌تواند

۳۰. به‌طور مثال هیأت دولت ایران با تصویب یک ماده واحده در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱ به وزارت کشاورزی و عمران روستایی اجازه داد تا با توجه به مطالبات دولت ایران از اسرائیل، شرکت ماخیشم را به قیمت روز ارزیابی و موقتاً در اختیار خود قرار دهد. این سؤال مطرح می‌شود که شرکت خارجی که کشور محل ثبت آن به رسمیت شناخته نشده است چگونه از شخصیت حقوقی بهره‌مند می‌شود تا اموال آن در ایران که به نام آن شرکت است قابل مصادره باشد.

کافی باشد؟ این مسأله از آنرو اهمیت می‌یابد که بدانیم علاوه بر تفاوت در مراجع مسؤول برای صدور پروانه تأسیس و فعالیت، قانون‌گذار ایران شرایطی را برای مؤسسين سازمان در نظر گرفته که برای سازمان‌های تأسیس شده خواهان فعالیت در نظر نگرفته است (م ۱۸ آیین‌نامه). در پایان باید توجه داشت از آنرو که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی غیرتجاری با فعالیت‌های انتفاعی تنها تحت شمول آیین‌نامه ۱۳۳۷ هستند، طبق تبصره ماده ۳ آن ثبت اینگونه مؤسسات باید در اداره ثبت شرکت‌ها در تهران صورت گیرد.

۲- گونه‌شناسی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی از تنوع زیادی برخوردارند تا آنجا که «با اطمینان می‌توان گفت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کل طیف حیات جامعه بین‌المللی فعال هستند».^{۳۱} تنوع و تکثر حیرت‌آور سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی ضمن ارتقای امکان آنها برای تبدیل شدن به بازیگران حقوق بین‌الملل زمینه مطالعه و پژوهش در مورد آنان را از نقطه نظر انواع ضروری می‌سازد. بنابر همین دلیل توسعه و تحول سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بوده است که «کوفی عنان دبیرکل ملل متحد در گزارش هزاره خود با تأکید بر گسترش روابط میان ملل متحد و بازیگران خصوصی اولویتی در مدیریتش ایجاد نمود و خواهان اعطای فرصت‌های بیشتر به سازمان‌های غیردولتی برای کمک در کار سازمان ملل متحد شد».^{۳۲}

میان تعداد، تنوع و فعالیت سازمان‌های غیردولتی و درجه مدنیت هر جامعه رابطه نزدیک و مستقیمی وجود دارد. از اینرو متغیر جامعه بین‌المللی به عنوان یک جامعه پویا اما تمرکز نیافته آباستن گونه‌های مختلفی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است که وضعیت بسیاری از آنها از منظر حقوق بین‌الملل نامشخص و برخوردار حقوق داخلی کشورها نسبت به آنها ناشیانه است.

آنچه که پیش از هر چیز در مطالعات گونه‌شناسی اهمیت دارد واژه‌شناسی (ترمینولوژی) موضوع مورد مطالعه است. موجودیت‌های منطبق با تعریف ارائه شده در بخش‌های پیشین، عناوین مختلفی را با خود یدک می‌کشند: سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های مردمی، سازمان جنبش‌های اجتماعی فراملی، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی، سازمان‌های خودیاری، بازیگران غیردولتی، بخش داوطلب جامعه مدنی و بخش مستقل از این جمله‌اند. از این اصطلاحات در ادبیات حقوقی و سیاسی ملی و بین‌المللی بهره گرفته می‌شود که در نوع خود می‌تواند تا حدود زیادی دلالت بر

31. Karstim martens, *Ibid*, p. 3.

32. *Ibid*, p. 2.

اقسام و اشکال آنها داشته باشد. در مجموع مقسم‌های گوناگونی برای دسته بندی این سازمان‌ها معرفی شده است که عمده‌ترین دسته‌بندی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از جهات فعالیت، موضوع، میزان استقلال، ماهیت اعضا و نحوه رأی‌گیری است. تعیین جایگاه یک سازمان از نظر گونه‌شناسی منوط به بررسی یک به یک این جهات گوناگون نسبت به سازمان مربوطه است.

از نقطه نظر فعالیت این سازمان‌ها به سازمان‌های انتفاعی (Beneficiary) و غیرانتفاعی (Non-Beneficiary) تقسیم می‌شوند. چنانچه قبلاً دیدیم مراجعه به اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که سازمان‌های انتفاعی از حدود شمول تعریف سازمان‌های غیردولتی خارج‌اند و آنها را مشمول تعریف شرکت‌های تجاری می‌کند. اما باید توجه داشت سازمان‌های غیردولتی بدون درآمد نیز نیستند بلکه چنانچه در بخش منابع مالی ذکر می‌شود از منابعی کسب درآمد می‌کنند لیکن آنچه مهم است این است که فعالیت معمول و عرفی آنها تجاری و انتفاعی نباشد. در همین راستا دسته‌بندی کتاب راهنمای بانک جهانی در رابطه با سازمان‌های غیردولتی قابل توجه است. مطابق این کتاب راهنما سازمان‌های غیردولتی بر مبنای اینکه منافع آنها متعلق به عموم مردم یا غیر آن باشد تقسیم بندی می‌شوند که در حالت اول به آنها سازمان‌های عام‌المنفعه (Public Benefit Organization) و در حالت دوم به آنها سازمان منافع متقابل (Mutual Benefit Organization) گفته می‌شود.^{۳۳} اما منافع مورد اشاره بانک جهانی در اینجا منافع حاصل از ثالث به نفع سازمان نیست بلکه منظور منافع حاصل از سازمان به نفع ثالث است.^{۳۴}

از نقطه نظر موضوع، سازمان‌های غیردولتی را می‌توان در حوزه‌های مختلفی به طور فعال مشاهده کرد. هر چند هیچ‌یک از قطعنامه‌های اکوسوک مستقیماً به انواع سازمان‌ها اشاره نداشته‌اند اما طبق قطعنامه ۱۲۹۶ مصوب سال ۱۹۶۸:

«سازمان [غیردولتی] باید متوجه موارد تحت صلاحیت اکوسوک در ارتباط با مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، علمی و فنی با صبغه بین‌المللی و مسائل مرتبط دیگر و نیز حقوق بشر باشد.»^{۳۵}

با رجوع به منشور ملل متحد نیز صلاحیت اکوسوک شامل امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،

33. Patricia Armstrong, "The Limits and Risks of Regulation: The Case Of World Bank-Supported Draft Handbook on Good Practices of Laws Relating to NGO" in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, Edited by Lisa Jordan and peter Van Tuijl, Published by Earthscan in the UK and USA, 2006, p. 66.

۳۴. در خصوص تقسیم‌بندی‌های دیگر بانک جهانی از جمله به حمایتی (advocacy) و عملیاتی (operational) نک:

World Bank Criteria defining NGO at <http://docs.lib.duke.edu/igo/guides/ngo/define.htm>

35. ESC Res 1296 (XLIV), 23 May 1968.

آموزشی، بهداشتی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و سایر امور مربوطه می‌شود (بند‌های ۱ و ۲ ماده ۶۲ منشور).

از نظر اکوسوک سازمان‌هایی که موضوع صلاحیتشان خارج از موارد ذکر شده باشد به رسمیت شناخته نمی‌شوند. سازمان‌هایی با موضوع سیاسی و ایدئولوژیک از این قبیل‌اند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با موضوع سیاسی مانند جنبش‌های استقلال یا هوادار (اسلاو، عرب، آفریقایی و ...)، اتحادیه‌های مقامات محلی مانند اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی^{۳۶} و در حوزه موضوع ایدئولوژیک مانند کمونیست بین‌المللی^{۳۷} و سوسیالیست بین‌المللی^{۳۸} را می‌توان نام برد.^{۳۹} با این حال شرط مورد نظر اکوسوک برای اعطای مقام مشورتی به این سازمان‌هاست و ارزش تفسیری برای تشخیص گونه‌های مشروع سازمان‌های غیردولتی ندارد. دکتین حقوقی حوزه‌های مختلفی را برای فعالیت سازمان‌ها در نظر گرفته است که غیر از موارد مذکور در صلاحیت اکوسوک می‌توان به حوزه‌هایی چون مذهب، سیاست، ایدئولوژیک، حقوق، ورزش، محیط زیست، کار و زنان اشاره کرد.^{۴۰}

از مقسم میزان استقلال، سازمان‌های غیردولتی را می‌توان به سه دسته مستقل، نیمه مستقل و وابسته تقسیم کرد. سازمان‌های وابسته یا دولتی از تعریف مربوط به سازمان‌های بین‌المللی دولتی خارج است اما سازمان‌هایی وجود دارند که ماهیتی دو وجهی دارند که به آنها سازمان‌های غیردولتی نیمه مستقل یا شبه‌خودمختار غیردولتی (Quasi-Autonomous Non-Organization) می‌گویند. به طور مثال سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) اعضای خود را از نهادهایی انتخاب می‌کند که بیشترین فعالیت را در استانداردسازی داخلی کشورها دارند که بسیاری از این نهادها، نهادهای وابسته به دولت هستند.^{۴۱} پلیس بین‌الملل و انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی (یاتا) نیز از این جمله‌اند.

از نظر ماهیت اعضای سازمان باید توجه داشت برخی سازمان‌ها صرفاً از اعضای با ماهیت خصوصی تشکیل نیافته‌اند بلکه جامعه بین‌المللی شاهد مثال‌هایی است که با عموم سازمان‌های غیردولتی متفاوت‌اند. به طور مثال اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت با اعضای متنوع که شامل ۸۲ کشور، ۱۱۱ آژانس دولتی و بیش از ۸۰۰ سازمان غیردولتی می‌شود، تشکیل یافته است.

36. Union Of Local Authorities

37. Communist International

38. Socialist International

39. Herman H-K Rechenberg, *op. cit.*, p. 277.

40. *Ibid*, p. 278.

41. Steve Chamovits, *Accountability ...*, *op. cit.*, p. 208.

در خصوص نحوه رأی‌گیری نیز دسته‌بندی‌هایی میان این سازمان‌ها وجود دارد. به‌رغم قاعده عمومی حق رأی برابر برای تمام اعضاء (Universal Suffrage) برخی سازمان‌های غیردولتی به حق رأی تبعیض‌آمیز متوسل شده‌اند: عفو بین‌الملل، اتاق بازرگانی بین‌المللی و کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجارت آزاد حق رأی با توجه به ظرفیت یا قدرت مالی اعضا اعطاء کرده‌اند. هر چند عملاً غلبه اقلیت بر اکثریت نیز منع شده است (در عفو بین‌الملل صریحاً منع شده است).^{۴۲}

با مقایسه گونه‌های شناخته شده در ادبیات حقوقی جهان با حقوق ایران نکاتی قابل توجه وجود دارد. حقوق ایران در خصوص سازمان‌های غیردولتی که از حدود یک اصل قانون اساسی و دو آیین‌نامه دولتی فراتر نمی‌رود امکان زیادی به محقق جهت کشف نیت قانون‌گذار در خصوص انواع سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نمی‌دهد. تفکیک دو نوع سازمان از نقطه‌نظر فعالیت مورد پذیرش آیین‌نامه فعلی قرار گرفته است و به تبعیت از قواعد پذیرفته شده بین‌المللی، سازمان‌های انتفاعی را از شمول تعریف خود خارج می‌کند. البته همانطور که قبلاً گفته شد سازمان‌های غیرتجاری انتفاعی تا جایی که با آیین‌نامه فعلی تعارض نداشته باشد مشمول آیین‌نامه قبلی (۱۳۳۷) باقی خواهند ماند.

از منظر موضوع، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی متقاضی ثبت یا فعالیت در ایران می‌توانند در هر موضوعی درخواست دهند جز آنکه موضوع آنها نباید سیاسی باشد (بند الف ماده ۱ آیین‌نامه).^{۴۳} از آنجاکه حاکمیت در ایران تفسیر موسعی شده است این شرط موجب می‌شود تا سازمان‌هایی که بیم تعارض موضوع آنها با ارزش‌های انقلابی مورد تأیید قانون اساسی ایران رود نتوانند در ایران ثبت شوند یا فعالیت کنند. سازمان‌هایی با ماهیت ایدئولوژیک و شرک‌آمیز مانند اتحادیه کمونیسم بین‌المللی، سازمان‌هایی با ماهیت سکولار و سازمان‌های متعلق به گروه‌های شیطان‌پرست از این جمله‌اند. علاوه بر این ماده ۳ آیین‌نامه در لسانی تمثیلی موضوعات ممکن برای فعالیت سازمان را عبارت می‌داند از موضوعات علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی. گام رو به جلوی حقوق ایران نسبت به دکترین موجود در خصوص

42. Hetty Kovach, "Addressing Accountability at the Global Level: The Challenges Facing International NGOs", in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, p. 208.

۴۳. در مورد غیرانتفاعی بودن سازمان قبلاً توضیح داده شد. غیرانتفاعی بودن یک سازمان مربوط به حوزه فعالیت آن است و نه موضوع آن سازمان. از آن رو که یک سازمان می‌تواند موضوع تجاری داشته باشد اما فعالیتش غیرانتفاعی باشد مانند اتحادیه‌های اقتصادی یا صنوف تجاری.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، ابداع حوزه نیکوکاری و امور خیریه است، هر چند بسیاری از سازمان‌های فعال و در برخی موضوعات از شمول آیین‌نامه ۱۳۸۱ خارج‌اند و تحت مقررات مخصوصی قرار می‌گیرند. موضوعات کارگری و کارفرمایی، آموزش عالی و پژوهشی و مدارس غیرانتفاعی از این جمله‌اند (ماده ۲۲ آیین‌نامه). پروژه تحقیقاتی برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) سازمان‌های غیردولتی فعال در ایران را در پنج دسته انسانی و بهداشتی، زنان و توسعه، کودکان و نوجوانان، علم و فناوری و محیط زیستی و دسته بندی کرده است.^{۴۴}

در خصوص میزان وابستگی سازمان، آیین‌نامه فعلی ایران با بیانی مبهم از «غیرحکومتی» بودن سازمان مربوطه سخن به میان می‌آورد (بند الف ماده ۴). صرف‌نظر از معنای حقیقی حکومتی و غیرحکومتی بودن، آنچه مبهم‌تر است مشخص نبودن این مسأله است که آیا اعضای مؤسس یک سازمان نباید حکومتی باشند یا صرف مشارکت و عضویت یک عنصر حکومتی (و نه عضویت در هیأت مؤسس) برای خارج کردن آن از حوزه تعریف، کافی است؟

در رابطه با نحوه رأی‌گیری در سازمان، آیین‌نامه در تبصره ۱ ماده ۲۱ لازم می‌داند که اساسنامه سازمان به رأی‌گیری آزاد تمام اعضا برای انتخاب مدیران و نیز نحوه تغییر مدیران و دوره تصدی آنها و نیز تصمیمات اساسی در ایجاد هرگونه تغییر و تأثیرگذاری تصریح کند. به‌رغم ابهام در بخش اخیر این مقرر که معلوم نیست حدود «تصمیمات اساسی» تا کجاست، عملاً اعطای مجوز فعالیت به عفو بین‌الملل و اتاق بازرگانی بین‌المللی در ایران نشان از تفسیر موسع قانون‌گذار و مجری ایرانی از این مقرر دارد چرا که همانطور که بیان شد این دو سازمان بدون پیروی از اصل رأی‌گیری آزاد از روش خاصی در رأی‌گیری استفاده می‌کنند.

۳- شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

شخصیت حقوقی از نهادهای حقوقی شناخته شده در تمام نظام‌های حقوقی است که به واسطه آن اهلیت تمتع حقوق و تکالیف و ایفای آنها به وجود می‌آید. قوانین هر کشوری در خصوص حدود و چگونگی اعطای شخصیت حقوقی به موجودیت‌های مختلف متفاوت است. با این حال قواعد مربوط به شخصیت تابعان حقوق بین‌الملل خارج از حوزه صلاحیت حقوق داخلی کشورهاست. هر چند گفته شده که «حقوق بین‌الملل فاقد قانونی مدون است که شرایط لازم برای

44. M. Baquer Namazi, Non- governmental Organizations in the Islamic Republic of Iran: A Situation Analysis, Published by the United Nations Development Program, 2000, pp. 43-151.

دارا شدن شخصیت حقوقی، آثار و تبعات ناشی از آن را مقرر کند»^{۴۵} اما می‌توان از لابه لای حقوق موضوعه و رویه دولت‌ها که تابعان اصلی جامعه بین‌المللی هستند قواعد متحدالشکلی را برای فهم و اجرای بهتر حقوق بین‌الملل استخراج کرد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی سال ۱۹۴۹ در قضیه خسارات برخی کارکنان ملل متحد معتقد بود که نوع و ماهیت تابعان هر نظام حقوقی متأثر از نیازهای هر جامعه است.^{۴۶} ضرب‌المثل رومی *ubi societas ubi ius* که می‌گوید حقوق از دل جامعه بر می‌خیزد مؤید همین نظر است. از اینرو انحصار شخصیت بین‌المللی به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی غلطی مصطلح بیش نیست؛ اما آنچه اهمیت دارد میزان بهره‌مندی از شخصیت بین‌المللی است چرا که شخصیت بین‌المللی امری بسیط نیست بلکه دارای درجات مختلف است. در عین حال این پارادوکس نیز وجود دارد که در خصوص بازیگران غیردولتی، شخصیت موجب استحقاق اخذ حقوق و تکالیف در برابر تابعان اصلی می‌شود یا اعطای حقوق و تکالیف از سوی کشورها و سازمان‌های دولتی به بازیگران غیردولتی موجب شخصیت آنها می‌شود؟ این اشکال هر چند در عالم نظر مطرح است اما در عرصه عمل کمتر ایجاد اشکال می‌کند.

امروزه سه رویکرد به شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی وجود دارد. نگاه منفی افراطی انعکاسی از نظریه اثبات‌گرایانه است که در نظام دولت محور و ستفالیایی ریشه دارد. این نگاه مدعی است الگوی مشخصی برای تعیین شخصیت این سازمان‌ها وجود ندارد. نگاه دیگر بینشی مثبت اما باز افراطی است که به پذیرش شخصیت بی‌قید و شرط این سازمان‌ها معتقد است. مانند اعتقاد پروفیسور روزالین هیگینز که بیان داشته روند قاعده‌سازی در حقوق بین‌الملل توسط بازیگران مختلفی که هدف آنها برجسته‌سازی برخی از ارزش‌هاست صورت می‌گیرد.^{۴۷} نگاه سوم بینشی مثبت اما محتاطانه است. این رویکرد به برخورداری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از شخصیت حقوقی در حدودی که حقوق بین‌الملل به آن اعطا کرده است معتقد است.^{۴۸}

بند ۲ ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها سال ۲۰۰۱ بیان می‌دارد آن قسمت از موادی که به مسئولیت دولت‌ها می‌پردازد «به تکالیف دیگری که ممکن است دولت‌ها در قبال هر شخص یا نهادی غیر از دولت داشته باشند لطمه‌ای وارد نمی‌سازد». این مقررہ فتح بابی برای طرح این

۴۵. سیدقاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت، تهران، مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۷.

46. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, ICJ Rep. 1949, p. 178.*

47. *Ann-Karin Lindblom, op. cit., p. 4.*

48. *Ibid., p. 5.*

امکان است که سازمان‌های غیردولتی از حقوقی در قبال کشورها برخوردارند.^{۴۹} حقوق بین‌الملل شاهد موارد بسیاری است که به این سازمان‌ها حقوقی اعطا شده است. مهم‌ترین واقعه در این زمینه اعطای حق طرح شکایت توسط سازمان‌های غیردولتی (ملی و بین‌المللی) در برخی مراجع قضایی و شبه‌قضایی است. در حال حاضر دادگاه اروپایی حقوق بشر، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، دادگاه آفریقا و تا حدودی دیوان بین‌المللی اروپایی حق رجوع مستقیم برای طرح شکایت را به این سازمان‌ها در مواردی که قربانی مستقیم نقض حقوق قرار گرفته باشند اعطا کرده‌اند.^{۵۰} از این میان دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم علاوه بر این حق طرح دعوا از طرف منافع عمومی را نیز به این سازمان‌ها داده است.^{۵۱} در کنار این حق مستقیم سازمان‌های غیردولتی حق رجوع غیرمستقیم به برخی مراجع را تحت عنوان «دوست دادگاه» (*amicus curiae*) دارند. نهاد دوست دادگاه شکلی از مداخله در دادرسی است که نه به عنوان ثالث و نه عنوان کارشناس در دادگاه شرکت می‌کند بلکه تنها به این دلیل است که منافع جمعیت مورد حمایت (و نه منافع خود سازمان) در خطر است.^{۵۲} دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق، دیوان کیفری برای رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی این حق را به سازمان‌های غیردولتی داده‌اند. سازمان جهانی تجارت نیز در مرحله تجدیدنظر، کمیسیون تجارت آزاد نفت و ایکسید نیز این اختیار را به مراجع رسیدگی کننده خود داده‌اند.^{۵۳}

به رغم این که بند ۲ ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد که دادگاه می‌تواند «اطلاعات مربوط به قضیه را از سازمان‌های بین‌المللی عمومی (*public*) دریافت کند» دیوان از آن معنای نهاد دوست دادگاه را برای سازمان‌های غیردولتی افاده نکرد.^{۵۴} اما با این حال در یک دستورالعمل اشاره نمود که اسناد و مدارک ارائه شده از سوی این سازمان‌ها در محل تعیین شده در کاخ صلح آرشیو می‌شوند تا دولت‌ها و سازمان‌های دولتی بتوانند در دعاوی ترافعی^{۵۵} در بیانات

49. ILC Comments no. 4 on Article 33. of the Draft Articles on Responsibility of States for International Wrong Acts, 2001.

50. Ann-Karin Lindblom, *op. cit.*, pp. 162-164.

51. Art 5(3) of the 1998 Protocol to the African Court on Human and Peoples Rights on the Establishment of an African Court on Human and Peoples Rights.

۵۲. محمدحسین رضوانی قوام‌آبادی، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ش ۲، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷.

53. Ann-Karin Lindblom, *op. cit.*, p. 165.

54. *Ibid*, p. 164.

۵۵. لازم به ذکر است طبق ماده ۶۶ اساسنامه در نظرخواهی‌های مشورتی «هر سازمان بین‌المللی» می‌تواند در روند رسیدگی دیوان شرکت جوید که شامل سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز می‌شود اما باید توجه داشت در این

شفاهی و کتبی خود به آنها استناد کنند.^{۵۶} علاوه بر این دیوان در اولین دستور خود در خصوص نظریه مشورتی راجع به اعلامیه یکجانبه استقلال توسط نهادهای خود مختاری کوزوو از تهیه‌کنندگان اعلامیه استقلال نیز درخواست می‌کند تا اطلاعات خود را تسلیم دیوان کنند،^{۵۷} که این خود انحرافی از تفسیر قبلی اساسنامه دیوان است. نباید از نظر دور داشت که سازمان‌های غیردولتی حتی طرف داوری‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته‌اند.^{۵۸}

در کنار این رویه قضایی، رویه قراردادی نیز به سازمان‌های غیردولتی حقوقی اعطا کرده‌اند. از جمله کنوانسیون استراسبورگ خواستار شناسایی سازمان‌های ثبت شده در هر یک از کشورهای عضو در سایر کشورهای عضو شده است.^{۵۹} کنوانسیون آرهاس در خصوص دسترسی به اطلاعات، شرکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در مسائل محیط زیستی^{۶۰} به سازمان‌های غیردولتی جایگاهی مشورتی جهت انتخاب اعضای کمیته نظارت بر کنوانسیون داده است. معاهده قطب جنوب نیز به شناسایی سازمان‌های غیردولتی مبادرت ورزیده است.^{۶۱}

کمیته حقوق کودک نیز در سال ۲۰۰۲ بازیگران غیردولتی را موظف به رعایت اصول و قواعد کنوانسیون کودک نمود. این موجب طرح مسؤلیت سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل بشر شد.^{۶۲} کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز در جای جای مقررات خود به نقش‌پذیری و نقش‌آفرینی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اشاره کرده‌اند.

در رویه درون سازمانی نیز قطعنامه‌های بسیاری به نقش سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل اشاره داشته‌اند. به‌طور مثال قطعنامه شورای امنیت درباره سیرالئون «از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی می‌خواهد تا حمایت خود را از برنامه بازتوانی ملی دولت سیرالئون دریغ نکنند».^{۶۳} اکوسوک نیز با اعطای مقام مشورتی به برخی سازمان‌ها، شورای

صلاحیت دیوان، طرف دعوایی وجود ندارد. نک: محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۱۶۱.

56. ICJ Practice Direction XII, 30 July 2006.

57. ICJ Decision 17 October 2008, Genral List No. 141.

58. Radio corporation of America v. china Arbitration, 1928, See in Rudolf Dolzer, "Radio corporation of America v. china Arbitration", in: Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 2, p. 237.

هرچند شرکت رادیویی امریکا یک شرکت تجاری محسوب می‌شده اما باید توجه داشت در اوایل قرن بیستم حقوق بین‌الملل تفاوتی میان شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی قائل نبود.

۵۹. لازم به ذکر است این کنوانسیون تنها توسط کشور سه کشور به تصویب رسیده است.

60. Aarhus Convention, Decision 1/7, UN Doc. ECF/MP.PP/2/Add. 8, annex, para. 4 (2004).

61. Steve Charnovitz, *Nongovernmental...*, *op. cit.*, p. 359.

62. Agnes Callamard, "NGO Accountability and the Humanitarian Accountability Partnership: Towards a Transformative Agenda", in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, Edited by: Lisa Jordan and Peter Van Tuijl, Published by Earthscan in the UK and USA, 2006, p. 186.

63. SC Res. 1470, para. 8, 28 March 2003.

اتحادیه اروپا، سازمان بین‌المللی دریایی و سازمان بین‌المللی مهاجرت با پذیرش برخی سازمان‌های غیردولتی به عنوان مشاور در سازمان، جایگاه سازمان‌های غیردولتی را اعتلاء بخشیده‌اند.^{۶۴} سازمان کشورهای امریکایی نیز اصول راهنمایی برای شرکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های خود منتشر نمود.^{۶۵} اتحادیه آفریقا نیز تدابیری برای این سازمان‌ها اندیشیده است. علاوه بر این قاعده‌سازی بین‌کشوری، گاه کشورها با خود سازمان‌های غیردولتی قراردادهایی را تنظیم می‌کنند و از این طریق به آنها حقوق و تکالیفی تفویض می‌کنند. از جمله می‌توان به قراردادهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^{۶۶} با آفریقای جنوبی، جمهوری کنگو، اوکراین، بلژیک، کامرون، جمهوری یوگسلاوی سابق، مقدونیه، گینه، سازمان کشورهای امریکایی و قراردادهای عفو بین‌الملل با دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای مختلف اشاره نمود.

با وجود تمام این اسناد و رویه‌ها، آنچه برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اهمیت دارد به رسمت شناخته شدن در حقوق داخلی کشورهای ثالث است. مبنای ادعای شخصیت حقوقی برای سازمان‌های بین‌الملل غیردولتی ماده ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که در کنار ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی دیگر همگی از آزادی اجتماع در حوزه‌های اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی، نژادی، زبان و کودکان حمایت به عمل می‌آورند.^{۶۷} گفته شده است که حق آزادی اجتماع حق مختص به افراد است و نه سازمان‌های غیردولتی، اما این تعبیر در کل تفسیری مضیق از حقوق بین‌الملل است. این درست است که حقوق از افراد حمایت می‌کند اما سازمان‌های غیردولتی وسیله‌ای هستند که افراد از طریق آن از حقوق خود بهره‌مند شوند.^{۶۸} این رویه در دو پرونده مطرح در دیوان اروپایی حقوق بشر نیز تأیید شده است.^{۶۹} برای همین به نظر می‌رسد وجود نظام‌های حقوقی ملی منحصر به هر کشوری در قبال

64. Emanuel Rebasti, "Beyond consultative status: which legal framework for an enhanced interaction between NGOs and intergovernmental organizations?", *NGO in International Law: Efficiency in Flexibility*, Edited by Pierre-Marie Dupuy Published by Edward Elgar Publishing Limited, 2008, pp. 23-27.

65. OAS Parliament Council, CP/Res. 759 (1217/99), 1999.

66. همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۰ طبق قطعنامه ۴۵/۶ مجمع عمومی به عنوان عضو ناظر سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

See: Christian Koeng, "Observer's Status for the ICRC at the United Nations: A Legal Viewpoint", *International Review of the Red Cross*, no. 280, p. 38.

67. J. Mc Bride, "International Law and Practical Jurisprudence in Support of Civil Society", in *Enabling Civil Initiative, Practical Aspect of Freedom of Association, Public Interest Law Initiative*, New York and Budapest, 2005, pp. 22- 81.

68. Patricia Armstrong, "The Limits and Risks of Regulation: The Case of World Bank-Supported Draft Handbook on Good Practices for Laws relating to NGOs", *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, p. 75.

69. United Communist Party of Parkey and Others v. Turkey, Application No. 19392/92, 30 January 1998, and Sidiropoulos and Others v. Greece, Application No 26695/95, 10 July 1998, Available at:

سازمان‌های غیردولتی مغایر با اصل آزادی اجتماع در حقوق بین‌الملل است. در همین راستا بانک جهانی در سال ۱۹۵۵ پروژه‌ای را تحت عنوان «قواعد جهانی در حال توسعه برای حقوق سازمان‌های غیردولتی» آغاز نمود که بر جنبه‌های حقوقی این حوزه می‌پردازد و طبق آن به توسعه و ارتقای حقوق سازمان‌های غیردولتی مشغول است.^{۷۰} این طرح در فرازی از خود مقرر می‌دارد:

«در راستای این هدف که بانک بتواند به‌طور مؤثر با سازمان‌های غیردولتی همکاری نماید و بتواند کاملاً از کمک آنها در توسعه موفق بهره برد ضروری است که در تمام کشورهایی که بانک در آن فعالیت می‌کند سازمان‌های غیردولتی که از برنامه‌های مالی بانک متفیع می‌شوند در ایجاد و فعالیت بدون تضییقات نامعقول بلکه آزادانه فعالیت نمایند. چنین سازمان‌هایی از دولت‌ها مستقل هستند و عملکرد آنها شفاف و مسئولیت‌زاست.»^{۷۱}

با این حال قواعد حقوق بشری و توصیه‌های سازمانی خود اجرا (self-executive) نیستند و برای عملیاتی ساختن آن نیاز به قانون‌گذاری داخلی دارند. از اینرو تمام این توصیه‌ها در دسته حقوق آرمانی (Lex Ferenda) قرار دارند و در حال حاضر هر کشوری جز در صورت تعهد بین‌المللی مشخصی تن به شناسایی خودکار یک سازمان بین‌المللی غیردولتی نمی‌دهد. حقوق ایران از این قاعده مستثنا نیست.

آیین‌نامه ۱۳۳۷ با ارجاع به ماده ۵۸۴ قانون تجارت برای مؤسساتی که در ایران ثبت شده‌اند شخصیت حقوقی قائل است. اما چنانچه گفته شد این آیین‌نامه تنها می‌تواند شامل مؤسسات غیرتجاری انتفاعی شود. طبق ماده ۲ آیین‌نامه ۱۳۸۱، سازمان پس از ثبت و اخذ پروانه دارای شخصیت حقوقی می‌گردد و از این طریق مستحق دو نوع حقوق عمومی و اختصاصی می‌گردد. حقوق عمومی مربوط به اشخاص حقوقی مانند حق باز کردن یک حساب بانکی، اجاره یک محل و طرح دعوا در دادگاه و حقوق اختصاصی مانند حق انتشار نشریه و حق دریافت کمک‌های مالی خارجی (ماده ۴ و تبصره ۲ ماده ۶).

هر چند کشورهایی که در برخی از تعهدات بین‌المللی خود دارای سازکار بین‌المللی مانند مراجع قضایی بین‌المللی هستند در صورت صدور حکمی لازم‌الاجرا که متضمن احراز شخصیت حقوقی یک سازمان غیردولتی باشد، پذیرش آن به‌طور خودکار در حقوق داخلی کشورهای عضو محقق می‌شود اما ایران تاکنون عضو هیچ نهاد قضایی بین‌المللی جز دیوان بین‌المللی دادگستری

<http://hudoc.edhr.coe.int/hudoc>

70. Patricia Armstrong, *op. cit.*, p. 62.

71. World Bank, *Developing World Rules for NGOs Law Project*, 1997.

نیست که آن هم صلاحیت چنین امری را از خود سلب کرده است.^{۷۲} شاید تنها بتوان پذیرش شخصیت حقوقی یک سازمان را در چارچوب قواعد آیین دادرسی مبنی بر اجرای یک حکم قضایی خارجی مطرح نمود^{۷۳} که در اینصورت یک حکم قضایی داخلی برای اجرای یک حکم خارجی که متضمن شناسایی یک سازمان غیردولتی است می‌تواند به شناسایی یک سازمان در داخل منجر شود.

این ادعا مطرح شده که سازمان‌های غیردولتی شناخته شده توسط اکوسوک^{۷۴} از شخصیت حقوقی در کشورهای عضو سازمان ملل متحد برخوردارند^{۷۵} اما متن صریح ماده ۲ آیین‌نامه فعلی ایران شخصیت حقوقی تمام سازمان‌ها را منوط به ثبت و اخذ پروانه فعالیت کرده است هر چند این مقرر در سطح مسئولیت بین‌المللی کشورها ممکن است سؤال‌برانگیز باشد. با این حال برخی معتقدند مسأله شخصیت سازمان‌ها نباید به طرح مسئولیت کشورها منتهی شود زیرا شخصیت حقوقی سازمان با این امر منافات دارد.^{۷۶} علاوه بر این باید توجه داشت جایگاه مشورتی سازمان‌ها در اکوسوک به معنای اعطای حقوق و مصونیت‌ها و مزایای مربوط به یک عضو اکوسوک یا ملل متحد در آن سازمان نیست.^{۷۷}

مسأله دیگر که در ارتباط تنگاتنگ با موضوع شخصیت حقوقی قابل طرح است مسأله تابعیت و اقامتگاه یک شخص حقوقی است. طبق ماده ۵۹۱ تابعیت اشخاص حقوقی در ایران جایی است که اقامتگاه وی در آن وجود دارد. از اینرو برای تعیین تابعیت باید اقامتگاه شخص معین شود. ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ایران اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز امور آنها می‌داند (مصوب ۱۳۱۳) در حالی که ماده ۵۹۰ قانون تجارت اقامتگاه شخص حقوقی را محل اداره آن می‌داند (مصوب ۱۳۱۱). صرف نظر از مسائل تقدم و تأخر تصویب مواد مذکور، به نظر می‌رسد محل اداره یک شخص حقوقی، محل امور وی نیز باشد.^{۷۸} اما از آنجا که حقوق ایران سازمان‌های غیردولتی را ملزم

72. Ann-Karin Lindblom, p. 164.

۷۳. فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی ایران مصوب ۱۳۵۶/۸/۱.

۷۴. مقام مشورتی در اکوسوک سه درجه دارد که شرایط آن متفاوت است: عام، خاص و مندرج در لیست. نک: ابراهیم بیگزاده، پیشین، ص ۲۵.

75. *Ibid*, p. 74.

۷۶. دانیل دورموای، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه کمال‌الدین هریسی‌نژاد، نشر جامعه پژوه، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۶۴.

77. Herman H-K Rechenberg, *op. cit.*, p. 280.

۷۸. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ص ۲۶۵.

به داشتن دفتر یا اداره‌ای نکرده است وضعیت سازمان‌هایی که در محیط مجازی یا سایبری فعالیت می‌کنند نامشخص است.^{۷۹}

مسئله نامشخص دیگر وضعیت تابعیت مضاعف برخی سازمان‌های غیردولتی است. چنانچه سازمانی غیردولتی علاوه بر تابعیت ایرانی از تابعیت خارجی نیز برخوردار باشد از نظر حقوق ایران سازمانی ایرانی تلقی می‌شود تا هیأت ناظر آن هیأت مذکور در بند ۲ ماده ۲ باشد یا سازمانی خارجی تلقی می‌شود تا هیأت ناظر بر آن هیأت مذکور در ماده ۲۹ آیین‌نامه باشد؟^{۸۰}

همانطور که گفته شد آیین رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی امکاناتی برای حضور و ارائه گزارش در قالب نهاد «دوست دادگاه» اعطا کرده است، مسئله‌ای که در آیین دادرسی حقوق ایران مغفول مانده است. در واقع قانون‌گذار ایران یکی از مهم‌ترین کارکردهای این سازمان‌ها را نادیده گرفته و سازکار اجرای آن را مشخص نکرده است و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تنها می‌توانند در قالب ورود ثالث در مواردی که منافع مستقیم آنها در دعوا مطرح باشد وارد رسیدگی قضایی می‌شوند.^{۸۱}

در انتها ذکر این نکته خالی از لطف نیست که یکی از آثار اخذ شخصیت حقوقی توسط سازمان‌ها، استقلال حقوقی آنهاست، بدین معنا که در قبال اقدامات خود مسؤول و پاسخگو تلقی خواهد شد^{۸۲} و از اینرو به نفع کشورها خواهد بود که در شرایط اعطای شخصیت حقوقی به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی سخت‌گیری نکنند.

۴- منابع مالی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی چه در مرحله تأسیس و چه در مرحله فعالیت نیازمند سرمایه هستند. این سرمایه یا از منبعی خارج از سازمان تأمین می‌شود یا از طریق فعالیت خود سازمان. تفکیک میان

۷۹. شاید بتوان الزام سازمان‌های غیردولتی توسط حقوق ایران مبنی بر داشتن اساسنامه را دلالت بر داشتن مقر هم دانست چرا که از لوازم ضروری تهیه اساسنامه، سازماندهی کردن موضوع اساسنامه و لازمه سازماندهی کردن یک موضوع، داشتن یک مقر است (اذن در شیء اذن در لوازم آن هم هست).

۸۰. مسئله تابعیت مضاعف در رویه بین‌المللی تا حدودی در خصوص اشخاص حقیقی حل شده است. از اینرو در مواردی که یکی از تابعیت‌ها متعلق به کشور محل رسیدگی است کشور مذکور محق به شناسایی تابعیت خود است و در مواردی که دو تابعیت متفاوت است موظف به شناسایی تابعیت مؤثر یا غالب است.

۸۱. ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۸.

۸۲. رضا موسوی‌زاده، سازمان‌های بین‌المللی، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

ضرورت غیر انتفاعی بودن یک سازمان غیردولتی و امکان فعالیت سازمان برای تأمین سرمایه مورد نیاز خود، از اهمیت زیادی برخوردار است. آنچه که یک سازمان غیردولتی را تبدیل به نهادی انتفاعی می‌کند اهتمام آن سازمان به اعمال تجاری است آنچنان که فعالیت معمول و عرفی سازمان را تجاری کند. تفکیک دیگر که در عرصه دکترین صورت گرفته تفاوت میان هزینه‌های اداری و هزینه‌های مربوط به تحقق اهداف سازمان است.^{۸۳} هزینه‌های اداری شامل هزینه‌های مربوط به حمل و نقل، مسافرت، کنفرانس‌ها، سخت افزارها و انتشارات می‌شود اما هزینه‌های دسته دوم برای تأمین مالی یک سازمان جهت کمک به جمعیت یا موضوع مورد حمایت آن سازمان است. مانند کمک به سازمان‌های بشری برای صرف آن در امور شهروندان.

مسئله دیگر در حوزه مالی سازمان‌های غیردولتی شائبه وابسته شدن سازمان مربوط به نهاد کمک کننده است. چنین تردیدی صحیح نیست چرا که کمک مالی معیار مناسبی برای تشخیص خصوصی بودن یا نبودن یک سازمان نیست. در واقع تا زمانی که اعضای سازمان در تصمیم‌گیری خود آزاد هستند کمک‌های مالی از سوی کشورها و سازمان‌های دولتی، ماهیت خصوصی بودن این سازمان‌ها را تغییر نمی‌دهند.^{۸۴} این دقت وقتی اهمیت می‌یابد که بدانیم میزان زیادی از بودجه سازمان بی‌طرفی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از سوی کشورها تأمین می‌شود.^{۸۵}

از چالش‌های دیگر پیش روی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مسئله پرداخت مالیات در قلمرو کشورهاست. هر چند این ادعا اولین بار در خصوص کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به علت دارا بودن شخصیت حقوقی بین‌المللی مطرح شده است^{۸۶} اما باید به پیامدهای مهم آن توجه داشت. اگر اعطای معافیت مالیاتی به خاطر دارا بودن شخصیت حقوقی بین‌المللی باشد طبق چه معیاری می‌توان چنین شخصیتی را احراز نمود؟ آنچه در مبحث شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی مطرح شد شخصیت حقوقی ملی در کشورهای متعدد بود و نه شخصیت حقوقی بین‌المللی. موجودیت‌های کامل و حقیقی در حقوق بین‌الملل، کشورها هستند و حتی سازمان‌های بین‌المللی دولتی به اتکای رضایت کشورها صاحب شخصیت حقوقی می‌شوند. علاوه بر این معافیت مالی جز در خصوص تعهداتی مشخص^{۸۷} در حوزه صلاحیت حاکمیتی دولت‌ها قرار دارد. با این حال

83. JIU/REP/96/4, para.21

84. Hermann H.-K. Rechenberg, *op. cit.*, p. 282.

85. Christian Koeng, *op. cit.*

86. Gabor Kona, the ICRC's Status: in a class of it's own, 2004, available at: www.icrc.org/web/eng/siteeng0.nsf/html/5W9FJY

۸۷ کنفرانس‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ در خصوص مصونت‌های دیپلماتیک و کنسولی در بسیاری موارد اشیاء و اماکن این مأموران را از پرداخت مالیات و گمرک معاف کرده است.

کشورها عملاً سازمان‌های غیردولتی را از مالیات معاف می‌کنند و کشورهای معدودی مانند الجزایر سازمان‌های غیردولتی را معاف از مالیات ندانسته‌اند.^{۸۸}

همچون نظریه‌های حقوقی موجود، روند حقوق بین‌الملل موضوعه نیز در ارتباط با مسائل مالی سازمان‌های غیردولتی بسیار آهسته است. گزارشگر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ توصیه‌هایی را برای نظارت بهتر بر کمک‌های مالی سازمان‌های بین‌المللی دولتی به سازمان‌های غیردولتی تحت عنوان «بازنگری منابع مالی اختصاص یافته توسط نظام ملل متحد به فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی» اعلام نمود.^{۸۹} وی در توصیه شماره ۲ به ضرورت استقرار یک مقام رابط میان سازمان کمک‌کننده و سازمان غیردولتی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد:

«سازمان‌های فعالی که قبلاً مقام رابطی برای سازمان‌های غیردولتی منصوب کرده‌اند باید به این کار اقدام کنند تا مقام مربوطه بتواند به نمایندگی از سازمان دولتی با سازمان غیردولتی تحت پوشش سازمان و با کمک‌کنندگان دوجانبه یا چند جانبه، دیگر نهادهای ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی دیگر مشورت کند. مقام مذکور باید به‌طور مرتب از طریق بخش بودجه (در کشور میزبان) از اختصاص و مصرف منابع و سازمان‌های غیردولتی مطلع شود.»

گزارش بخش بودجه هر کشوری به مقام رابط منوط به گزارش مالی سازمان غیردولتی مربوطه به دولت است.^{۹۰} از همین رو ارائه گزارش مالی سالانه در برخی کشورها مانند روسیه الزامی شده است.^{۹۱}

در مقررات بسیاری از نهادهای مرتبط با سازمان ملل متحد نیز قواعد لازم برای اختصاص بودجه به سازمان‌های غیردولتی فعال در همان موضوع اندیشیده شده است. به‌طور مثال برنامه توسعه ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد، صندوق کودکان ملل متحد، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی از این جمله‌اند.^{۹۲} گرایش تمام این نهادها به سمت کمک مستقیم به سازمان‌های غیردولتی بدون توجه به ضرورت‌های دولتی است. به عبارت دیگر این نهادها به شرایط موجود در حقوق کشور میزبان سازمان غیردولتی در خصوص شرایط اخذ کمک خارجی توجهی ندارند. در این میان تعداد کمی

88. Kareem Elbayar, "NGO Law in selected Arab states", *The Internatiauol Journal of Non-For-Profit Law*, volume 7, Issue 4, 2005, p. 8.

89. JIU/REP/96/4, Review of Financial Resources Allocated by the United Nations System to Activities by Non- Governmental Organizations, prepared by Francesco Mezzalama.

۹۰. به نظر می‌رسد این الزام با حق حریم خصوصی شناخته شده در حقوق برخی کشورها در تعارض باشد.

91. Aliso Kamhi, "The Russian NGO Law: Potential Conflicts with International, National and Foreign Legislation", *The Internationl Journal of Non- For- Profit Law*, Volume 9, Issue 1, 2006, p. 4.

92. JIU/ REP/96/4, paras. 34-136.

به این هماهنگی حقوق بین‌الملل و حقوق ملی توجه کرده‌اند. به‌طور مثال یکی از شرایطی که برنامه جهانی غذا (WFP) برای پذیرش تقاضای یک سازمان جهت کمک مالی در نظر گرفته، پذیرش این اقدام توسط کشور میزبان آن سازمان است.^{۹۳}

آیین‌نامه فعلی ایران هر چند از نظر مقصد کمک‌های خارجی میان هزینه‌های اداری و غیراداری قائل به تفکیک نشده است اما از نظر مبدأ کمک‌های خارجی قائل به تفکیک شده است: دریافت کمک از مجامع رسمی بین‌المللی و منطقه‌ای و آژانس‌های وابسته به سازمان ملل بدون اجازه مجاز است (تبصره ۲ ماده ۶) اما دریافت کمک از سایر منابع خارجی نیاز به دریافت مجوز از مرجع نظارتی مربوطه دارد (تبصره ۱ ماده ۶). از اینرو در حقوق ایران نهادهای ملی مورد اشاره در گزارش گزارشگر ملل متحد می‌توانند مستقیماً به سازمان‌های غیردولتی کمک کنند. به‌رغم امکان تشخیص تقریباً آژانس‌های وابسته به ملل متحد، مجامع رسمی بین‌المللی و منطقه‌ای از تعریف مشخصی برخوردار نیستند. این که هر سازمان بین‌المللی دولتی مدنظر قانون‌گذار ایران بوده یا خیر مشخص نیست. اگر چنین باشد منظور از «سایر منابع خارجی» مندرج در تبصره اول ماده ۶ تنها کشورهای خارجی خواهند بود. این احتمال با توجه به بی‌طرف بودن سازمان‌های بین‌المللی و بی‌طرف نبودن کشورها قابل توجیه به نظر می‌رسد اما وابستگی کامل بسیاری از سازمان‌های دولتی به کشورهای عضو غیرقابل انکار است. مسأله دیگر در این ماده عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای این پیش‌شرط است. در حالی که در برخی کشورها مجازات اخذ کمک خارجی بدون اخذ مجوز تعبیه شده است،^{۹۴} در حقوق ایران چنین تدبیری اندیشیده نشده است.^{۹۵}

مهم‌ترین مسأله در جهت کسب کمک‌های خارجی توسط سازمان‌های غیردولتی فعال در ایران مواجهه با اصل «نفی سبیل» در حقوق ایران است.^{۹۶} طبق این قاعده کشورهای اسلامی حق ندارند

93. JIU/REP/96/4, paras 34-124.

94. Kareem Elbayar, *op. cit.*, p.15.

۹۵. مسأله قابل توجه در این ارتباط این است که نمی‌توان به کار انداختن منابع مالی خارجی بدون مجوز توسط سازمان‌های غیردولتی را مضمول جرم پول‌شویی دانست. در واقع هر چند در تعریف، پول‌شویی را «انجام هرگونه عملیاتی به منظور قانونی جلوه دادن درآمدهای غیر قانونی» می‌دانند اما باید توجه داشت که پیش‌شرط جرم پول‌شویی تحقیق یک جرم اصلی پیش از آن است که در خصوص عدم کسب اجازه سازمان غیردولتی از دولت، جرمی تحقق نیافته است. نک: ایرج گلدوزیان و اصغر عباسی، «جرم‌نگاری پول‌شویی و گستره آن در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۴، ۱۳۸۴، صص ۲۲۷-۲۰۵.

۹۶. اکرم اسماعیلی، «نگاهی به مبانی فقهی کمک‌های مالی سازمان‌های غیردولتی»، مجله ندای صادق، سال دهم، ش ۳۹، صص ۱۰۷-۸۴.

در مواردی که احتمال تفوق کفار بر مسلمین می‌رود با آنها ارتباطی برقرار کنند. هر چند آیین‌نامه فعلی اخذ کمک‌های مالی را با شرایطی اجازه داده است اما به نظر می‌رسد در صورت نزدیک شدن یک سازمان غیردولتی به این آستانه بتوان به استناد به اصل چهارم قانون اساسی از دریافت کمک‌های بیشتر آن سازمان جلوگیری کرد.^{۹۷}

در انتها اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که اعلام رسمی حمایت دولت ایران از سازمان‌های غیردولتی در ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه و اختصاص بودجه‌هایی برای حمایت از این سازمان‌ها و همچنین معافیت مالیاتی آنها در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ حکایت از علاقه قانون‌گذار ایران به فعالیت‌های این سازمان‌ها به دور از دغدغه‌های مالی دارد.

جمع بندی

وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی بسیار پیچیده است. دلیل این امر محول کردن وضعیت سازمان‌های غیردولتی ملی به صلاحیت داخلی کشورها و نادر بودن قواعد مربوط در این زمینه در حقوق بین‌الملل است. حقوق بین‌الملل در مواجهه با دو رویکرد نظام‌مند کردن (formalization) مقررات مربوط به سازمان‌های غیردولتی و خودانتظامی (self-regulation) این سازمان‌ها، رویکرد بینایی در پیش گرفته است. پروژه ارتقای قواعد جهانی در حوزه سازمان‌های غیردولتی^{۹۸} که زیر نظر «مرکز بین‌المللی حقوق غیرانتفاعی»^{۹۹} تهیه شده است از بانک جهانی می‌خواهد که حقوق ناظر بر سازمان‌های غیردولتی را از سراسر جهان جمع‌آوری کند تا مجموعه راهنمایی «از قواعد بهترین عملکردها جهت توسعه و ارتقای حقوق و نظام‌های قانونمند برای سازمان‌های غیردولتی» تهیه نماید.^{۱۰۰} سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای نیز در همین راستا به فعالیت مشغولند.^{۱۰۱} هر چند قواعد حقوق بین‌الملل ناظر به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بسیار محدودند اما نباید از نظر دور داشت که حقوق بین‌الملل در این حوزه بدون قاعده و رویه هم نیست.

از سوی دیگر قوانین ایران نیز به مسأله سازمان‌های غیردولتی بی‌توجه نبوده‌اند. علاوه بر اصولی از قانون اساسی ایران و برخی مقررات مالی و پراکنده در حقوق ایران، دو لایحه در خصوص

۹۷. به‌طور مثال «مؤسسه پیوند» به دنبال یافتن راه‌هایی برای ارتباط با جامعه ایرانی آوارگان یهودی است که یکی از بزرگترین جوامع از نظر تعلیم و درآمد مالی در جهان است که می‌تواند مشمول این قاعده شود.

98. Developing Global Standard for NGO Laws Projects.

99. International center for Non-For-profit Law (established by world Bank).

100. Patricia Armstrong, *op. cit.*, p.64.

101. Emancel Rebasti and vierucci Luisa, "A Legal Standards for NGOs in Contemporary International Law?" available at: www.esil-sedi.ev/English/pdf/vierucciRebasti.pdf

سازمان‌های غیردولتی به تصویب رسیده است که اولی در سال ۱۳۳۷ و دومی در سال ۱۳۸۱ تصویب شده است. از مجموعه این مقررات، برخی از آنها اختصاص به سازمان‌های غیردولتی ملی و برخی اختصاص به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دارند و برخی مقررات میان آن دو مشترک هستند. این پژوهش به بررسی قواعد قابل اعمال به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی خواستار تأسیس یا فعالیت در ایران، پرداخت و میزان هم‌راستا بودن آنها را با قواعد حقوق بین‌الملل سنجید. اولین ضرورت در حقوق ایران ارائه تعریفی جامع و مانع از این سازمان‌ها و تسهیل امر شناسایی این سازمان‌ها در حقوق ایران است.^{۱۰۲} وجود شرط غیرسیاسی بودن سازمان‌های غیردولتی در حقوق ایران از جمله عقب نشینی‌های حقوقی ایران نسبت به حقوق بین‌الملل است. عدم وضوح کافی مقررات ایران، تکلیف سازمان‌هایی با ماهیت خاص مانند اتحادیه بین‌المجالس و پلیس بین‌الملل را روشن نمی‌سازد. در عوض ایران گام‌های رو به جلویی نیز نسبت به حقوق بین‌الملل برداشته است. قضایی کردن لغو پروانه سازمان‌های غیردولتی در ایران و امکان فعالیت سازمان‌های غیردولتی مجازی در حقوق ایران از این جمله‌اند.

مسئله مهم دیگر عطف بماسبق شدن یا نشدن لایحه جدید ایران در خصوص سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است. به‌طور مثال دو سازمان غیردولتی در حوزه پناهندگان (MSF, ICRS) در سال ۱۹۹۲ به علت فقدان مقررات شفاف در خصوص فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، با وزارت خارجه ایران تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده بودند،^{۱۰۳} که مشخص نیست پس از تصویب لایحه جدید ایران در سال ۲۰۰۵ این سازمان‌ها باید وفق قوانین جدید به ثبت برسند یا خیر؟ لازم است که قانون‌گذار و مجری حقوق ایران جهت مشارکت فعال‌تر در روند جهانی شدن حقوق و سیاست بین‌الملل، روند تأسیس و فعالیت این سازمان‌ها را در ایران تسهیل کنند. چنان که در یک عبارت گلایه‌آمیز و حکیمانه گفته شده است که «پروژه ایجاد چنین نهادهایی نباید سخت‌تر از پروژه ایجاد یک نهاد تجاری باشد».^{۱۰۴}

فهرست منابع

۱. احمدی، مینا، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران: سازمان‌های غیردولتی زنان»، کتاب زنان، سال هشتم، ش ۲۹، ۱۳۸۴.

102. Zahra (sahar) Maranlou, "A synopsis of Law Reform for Iranian NGO", *The International Journal of Not-For-Profit Law*, Volume 4, Issue 4, July 2002, p. 8.

103. Baquer Namazi, *op. cit.*, p. 156.

104. Patricia Armstrong, *op. cit.*, p. 65.

۲. اسماعیلی، اکرم، «نگاهی به مبانی فقهی کمک‌های مالی سازمان‌های غیردولتی»، *مجله ندای صادق*، سال دهم، ش ۳۹، صص ۸۴-۱۰۷.
۳. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۲.
۴. دورموای، دانیل، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه کمال‌الدین هریسی‌نژاد، نشر جامعه پژوه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۵. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۸، ش ۲، ۱۳۸۷.
۶. زمانی، سیدقاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسؤلیت، مصونیت*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۷. سیمبر، رضا، «سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۷.
۸. صادقی، مریم، «سازمان‌های غیردولتی در نگاه تطبیقی»، *مجله ندای صادق*، سال دهم، ۱۳۸۴.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، نشر گنج دانش، چاپ سی‌ام، ۱۳۸۷.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.
۱۱. کک‌دین، نگوین، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۲. گلدرزبان، ایرج، و اصغر عباسی، «جرمانگاری پول‌شویی و گستره آن در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۷، ش ۴، ۱۳۸۴، صص ۲۰۵-۲۲۷.
۱۳. موسی‌زاده، رضا، *سازمان‌های بین‌المللی*، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۱۴. هوهن فلدرن، آیگناتس زایدل، *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
15. Armstrong, Patricia, "The Limits and Risks of Regulation: The Case Of World Bank-Supported Draft Handbook on Good Practices of Laws Relating to NGO" in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, Edited by Lisa Jordan and peter Van Tuijl, Published by Earthscan in the UK and USA, 2006.
16. Armstrong, Patricia, "The Limits and Risks of Regulation: The Case of World Bank-Supported Draft Handbook on Good Practices for Laws relating to NGOs", *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*.
17. Callamard, Agnes, "NGO Accountability and the Humanitarian Accountability Partnership: Towards a Transformative Agenda", in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*, Edited by: Lisa Jordan and Peter Van Tuijl, Published by Earthscan in the UK and USA, 2006.
18. Charnovits, Steve, "Accountability of Nongovernmental organizations (NGOS) in Global Governance", *The George Washington University Law school, Public Law legal theory working paper*, No. 145, 2005.
19. Charnovitz, Steve "Nongovernmental organization and international law", *The American Journal of International Law*, 2006, No. 100.

20. Dolzer, Rudolf, "Radio corporation of America v. china Arbitration", in: Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 2.
21. Elbayar, Kareem, "NGO Law in selected Arab states", *The Internatiauual Journal of Non-For-Profit Law*, volume 7, Issue 4, 2005.
22. Guidelines for Participation by Civil Organization in OAS Activities, 15 December 1999.
23. <http://docs.lib.duke.edu/igo/guides/ngo/define.htm>
24. <http://hudoc.edhr.coe.int/hudoec>
25. ICJ Decision 17 October 2008, Genral List No. 141.
26. ICJ Practice Direction XII, 30 July 2006.
27. JIU/REP/96/4.
28. Kamhi, Aliso, "The Russian NGO Law: Potential Conflicts with International, National and Foreign Legislation", *The Internationl Journal of Non- For- Profit Law*, Volume 9, Issue 1, 2006.
29. Koeng, Christian, "Observer's Status for the ICRC at the United Nations: A Legal Viewpoint", *International Review of the Red Cross*, no. 280.
30. Kona, Gabor, the ICRC's Status: in a class of it's own, 2004, available at: www.icrc.org/web/eng/siteeng0.nsf/html/5W9FJY
31. Kovach, Hetty, "Addressing Accountability at the Global Level: The Challenges Facing International NGOs", in *NGO Accountability: Politics, Principles and Innovations*.
32. Lindblom, Ann-Karin, *Non-Governmental Organizations in International Law*, Cambridge University Press, 2005.
33. Maranlou, Zahra (sahar), "A synopsis of Law Reform for Iranian NGO", *The International Journal of Not-For-Profit Law*, Volume 4, Issue 4, July 2002.
34. Martens, Kerstin, "Examining the (Non-)Status of NGOs International law", *Indian Global legal Studies Journal*, 10:2, 2003.
35. McBride, J., "International Law and Practical Jurisprudence in Support of Civil Society", in *Enabling Civil Initiative, Practical Aspect of Freedom of Association, Public Interest Law Initiative*, New York and Budapest, 2005, pp. 22- 81.
36. Namazi, M. Baquer, Non- governmental Organizations in the Islamic Republic of Iran: A Situation Analysis, Published by the United Nations Development Program, 2000, pp. 43-151.
37. OAS Parliament Counail, CP/Res. 759 (1217/99), 1999.
38. Protocol to the African Court on Human and Peoples Rights on the Establishment of an African Court on Human and Peoples Rights, 1998.
39. Rebasti, Emancel, and vierucci Luisa, "A Legal Standards for NGOS in Contemporary International Law?" available at: www.esil-sedi.ev/English/pdf/viervcciRebasti.pdf
40. Rebasti, Emanuel, "Beyond consultative status: which legal framework for an enhanced interaction between NGOs and intergovernmental organizations?", *NGO in International Law: Efficiency in Flexibility*, Edited by Pierre-Marie Dupuy Published by Edward Elgar Publishing Limited, 2008.
41. Rechenberg, Herman H-K, "Non-Governmental Organization", in: R. Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 9 (1981).
42. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, *ICJ Rep.* 1949.
43. SC Res. 1470, para. 8, 28 March 2003.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of “Combatant” in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study